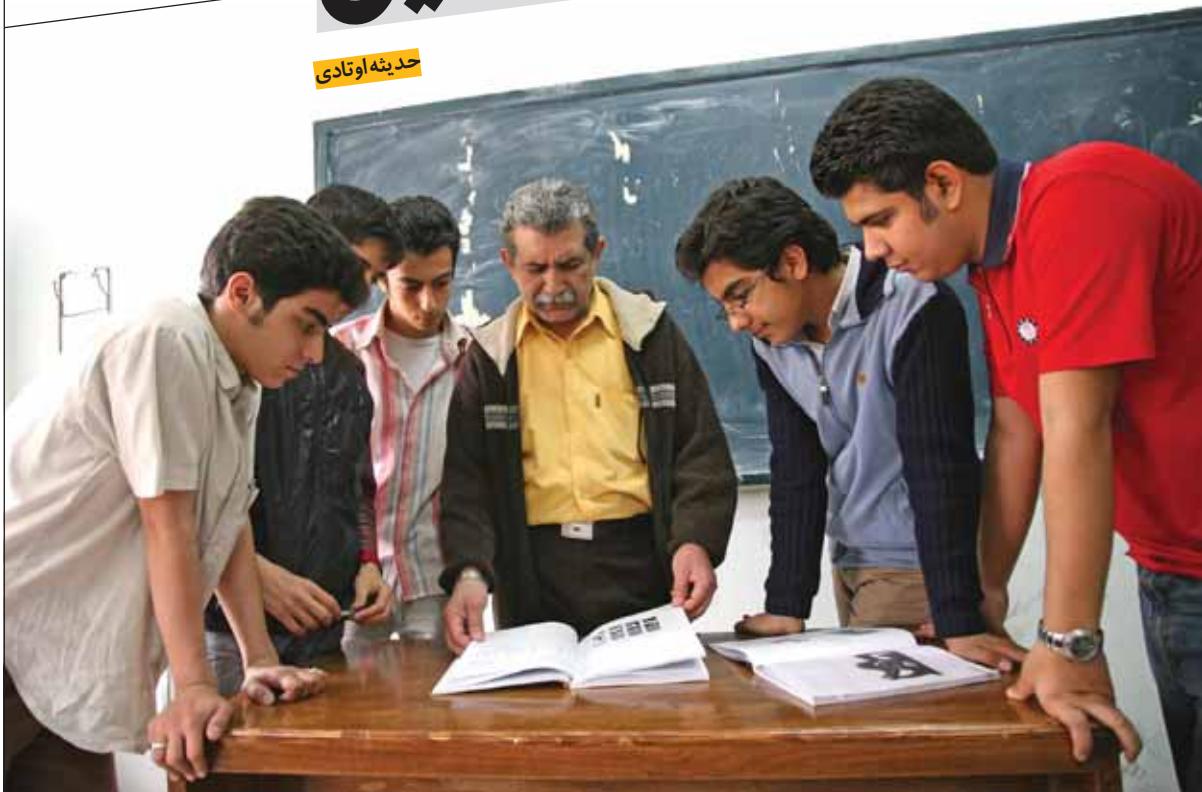


چهار راه راهنمایی

حدیثه اوتادی



هر کس در زندگی بارها دست به انتخاب می‌زند و این انتخاب‌ها مسیر زندگیش را تعیین می‌کند، انتخاب از اختیار بشر سرچشمه می‌گیرد؛ چه، انسان آزاد آفریده شده است تا در بسیاری از موارد آنچه را مناسب می‌داند برگزیند.

بعضی از انتخاب‌های فرد نقش حیاتی دارد و تقریباً سرونشست او توسط همان انتخاب‌ها تعیین می‌شود. انتخاب رشته تحصیلی و انتخاب شغل یکی از این انتخاب‌های است. انتخاب نادرست رشته تحصیلی می‌تواند سبب افت علمی کشور، تضییع منابع اقتصادی و انسانی، بی‌تفاوتوی و بی‌انگیزگی دانش‌آموز [دانشجو] نسبت به مسائل اجتماعی و ایجاد اختلالات روانی در زندگی فردی و اجتماعی او شود.

چیزی که مسلم است و بارها در تجربیات ما دیده شده، این است که در انتخاب رشته دانش‌آموزان بیشترین رجوع را به معلمان خود دارند؛ چرا که هم با آن‌ها بیشترین ارتباط را دارند و هم آن‌ها را متخصص در این زمینه می‌دانند. پس شایسته است معلمان هم در این زمینه توانمندتر شوند تا با اطلاعات درست همراهی شایسته و مؤثری با دانش‌آموزان داشته باشند.

دوره متوسطه اول

این دوره جزء دوره «آموزش عمومی» محسوب می‌شود. در این دوره و دوره بعد با بحران نوجوانی در دانشآموزان روبرو هستیم که در آن «آموزش» و نیز «پرورش» کار آسانی برای متصدیان این امر نخواهد بود. این کار عشق و صبوری فراوان و البته آگاهی فراوان نیز طلب می‌کند. آگاهی از مقتضیات این سن و نیازهای مختلف آن‌ها. ما در اینجا به بعد تحصیلی آن خواهیم پرداخت.

خواشید خواهد کرد.
در این راستا انتظار می‌رود معلمان به جزئیات درسی خود آشنا باشند تا بتوانند آن را بهتر و جذاب‌تر ارائه دهند. یکی از فنونی که از مهارت‌های مهم مطالعه به شمار می‌رود «بادداشت‌برداری» است. با اشراف به شیوه‌های صحیح آن (در شماره‌های سال‌های گذشته به طور خاص بررسی شده) می‌توانید آن را به دانش‌آموزانتان بیاموزید.

کمک به افزایش دقت در دانش‌آموزان

همان‌طور که می‌دانید یکی از مشکلات اصلی دانش‌آموزان ما دقت نداشتن سر کلاس یا هنگام مطالعه است. یکی از علل مهم کاهش دقت و تمرکز، سردرگمی در مطالعه است. وقتی دانش‌آموز نمی‌داند درس را چگونه بخواند، به مرور دقتش را از دست می‌دهد و این اهمیت مورد قبول را نشان می‌دهد.
یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر دقت دانش‌آموز تمایل و علاقه اوت و از سوی دیگر نقش معلمان در اشتیاق به خواندن هر درس در دانش‌آموزان نیز انکارناپذیر است. لحن یکنواخت و آرام معلم سر کلاس، بی‌وقفه سخن گفتن و همچنین درگیر نکردن دانش‌آموزان در مباحث ارائه شده هم می‌توانند دقت آنان را کاهش دهد. کاش ما نتوانیم به دانش‌آموزانمان کمک کنیم تا خوب و دقیق به دنیای اطرافشان بنگرند و این کاری است که از کودکی باید صورت گیرد.

معرفی صحیح کلیه رشته‌ها

متأسفانه مدارس ما در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند و ما ضعف شدیدی در نظام کلی آموزشی کشور داریم. در هیچ کجای دنیا مرسوم نیست همه دانش‌آموزان دبیرستانی وارد دانشگاه شوند. باید به دانش‌آموزان کمک شود تا زمینه علاقه و استعداد خود را با هم ترکیب کنند و بهترین مسیر را برای خودشان انتخاب کنند. در این راستا ما باید به کارآفرینی بیندیشیم.

بیشتر دانش‌آموزان با رشته‌های شاخه نظری آشنایی نسبی دارند (هر چند که آینده‌های برای خود متصور نیستند). ما باید تلاش کیم تا آن‌ها را با رشته‌های فنی و مهارتی و بازار محور آشنا کنیم. شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کارداش، رشته‌های متعددی دارند که با روحیات و توانایی‌های خیلی از دانش‌آموزان ما سازگار است و حتی این امکان را فراهم می‌آورد که افراد یک یا چند مهارت قابل عرضه در بازار کار را، که

یادگیری اصول پایه‌ای مطالعه

در دوره اول آموزش نقش جدی تری به خود می‌گیرد و دروس تنوع پیدا می‌کنند. بسیار مهم است که دانش‌آموزان با شیوه‌های صحیح مطالعه آشنا شوند تا برای سال‌های تحصیلی بعد با کمترین مشکل در این زمینه مواجه شوند. ما (مشاوران) معتقدیم یاد دادن این اصول پایه در این دوره از یاد دادن صرف دروس بسیار مهم‌تر است. به نظر شما کی قرار است دانش‌آموز متوجه شود که دچار خطا در شیوه مطالعه‌اش بوده؟ زمانی که سال‌ها انژری و انگیزه و وقتی در این راستا هدر رفته یا در این دوره که شروع یادگیری جدی اوست؟!

در این راستا چگونه خواندن و چگونه نخواندن، هدف داشتن، توجه به مفهوم و عمق مطالب به جای حفظ کلمه به کلمه آن‌ها که در ذهن باقی نخواهد ماند...، موارد مهم و حیاتی هستند، و در طول این دوره باید آموخته شده و بنیادی شوند.

آموختن نحوه صحیح مطالعه

هر درس به‌طور خاص

گشودن دنیای با شکوه و پر رمز و راز هر شاخه از علم بر روی دانش‌آموز به‌عهده معلم آن درس است. اینکه شما چطور این دریچه را به روی چشم‌مان دانش‌آموزانتان می‌گشایید کار خطیری است.

هر معلم باید از همان ابتدا به دانش‌آموزانش بیاموزد که چطور درس را مطالعه کنند تا موفقیت بیشتری کسب کنند. هر درس ویژگی‌هایی برای خود دارد و بی‌شک نمی‌توان برای همه آن‌ها یک راه را پیش گرفت. یافتن فوت و فن ویژه هر درس و ارائه آن به دانش‌آموز بر عهده معلم است و همین موضوع باعث اشراف دانش‌آموز بر مطالب درسی اش خواهد شد و امکان پیشرفت او را افزایش خواهد داد و خواندن را برایش

با استعدادهای فردی شان تناسب داشته باشد،
بیاموزند و در مسیر شغلی خود به کار گیرند.
پس باید تلاش کنیم استعدادهای کارآفرینانه
دانش آموزان را بیدار و تقویت کنیم.

به تعبیر مولوی:

هر کسی را بهر کاری ساختند
میل آن را در دلش انداختند

دوره متوسطه دوم

این دوره، با انتخاب رشته، دوره «تخصصی» تحصیلی دانش آموزان خواهد بود. اهمیت این دوره بدان جهت است که انتخاب رشته با انتخاب رشته بعدی، برای ورودیه دانشگاه، مرتبط است و رشته دانشگاهی فرد را برای انتخاب شغل خاصی آماده می کند. شغل هر فرد نیز از جنبه های مختلف بر زندگی وی تأثیر زیادی دارد. پس «انتخاب رشته، انتخاب راه زندگی» است.

فرض بر این است که تمام مراحل پایه روشنگری و هدایت گری برای دانش آموزی که به این مرحله می رسد انجام شده است (هدایت صحیح دوره دبستان که در شماره قبل به آن پرداختیم و راهنمایی مناسب دوره متوسطه اول). دانش آموز در این دوره به انتخاب رشته تخصصی اش می پردازد تا در ادامه برای ورود به دانشگاه و بازار کار آماده شود.

برای کمک به انتخاب رشته تحصیلی دانش آموز باید پرونده او را بررسی کرد. هر چه این پرونده غنی تر باشد و اطلاعات جامع تری را در اختیار ما قرار دهد، مسیر مشخص تری پیش رویمان قرار دارد و راحت تر به نتیجه می رسیم. در این انتخاب مهم دو دسته عوامل عمده وجود دارد: عوامل فردی و عوامل محیطی.

در عوامل فردی باید به استعدادها و توانایی های ذهنی و عملی دانش آموز، علاقه و رغبت ها، ویژگی های شخصیتی، معلومات و مهارت ها، و نهایتاً جنسیت او توجه شود. و در عوامل محیطی باید شرایط اجتماعی (ویژگی های رشته های دانشگاهی، نیازهای شغلی کشور)، امکانات در دسترس، و شرایط حنانوادگی او بررسی شود.

افزایش اطلاعات

و آگاهی دانش آموزان در زمینه مشاغل
دانش آموز در این مقطع باید بداند چه می خواهد و چه مسیری پیش رو دارد. چشم انداز شغلی برای انتخاب رشته در دبیرستان اهمیت

ویژه ای دارد. خیلی از دانش آموزان رشته ای را بدون آگاهی کامل و تناسب آن با ویژگی های خودشان انتخاب می کنند، بنابراین به دانشگاه که وارد می شوند بعض از رشته دیگری را طلب می کنند. در نتیجه گاهی مسیر ادامه تحصیلشان را عوض می کنند و بزرگ ترین معضل زمانی است که می خواهند شغل انتخاب کنند. این همه گسیختگی سنگ بزرگی جلوی مسیر انتخاب و گزینش آن ها خواهد شد. در حالی که این سال ها از لحاظ میزان انرژی، هوشمندی، خلاقیت ... می تواند بالاترین بهره وری ممکن را برای فرد و کشورش به همراه داشته باشد. در این راستا مهم است که نیازهای شغلی کشور در نظر گرفته شود.

کسب مهارت های لازم

بعد از اینکه دانش آموز با در نظر گرفتن ویژگی های فردی (علاقه و استعداد ...) و عوامل محیطی (شرایط بازار کار و شرایط حنانوادگی ...) دست به انتخاب زد، حال می تواند در این مسیر گام بردارد. اولین گام ها کسب مهارت ها و توانایی های لازم است. باید بررسی شود چه مهارت های پایه ای برای این رشته و در ادامه آن شغل لازم است. پاره ای مهارت ها هستند که در هر رشته و شغلی کارایی دارند و فرد را در آن رشته و شغل توأم ندتر می کنند. به عنوان مثال آموختن زبان انگلیسی و علم کامپیوتر، می تواند در هر شغل و رشته ای مؤثر باشد. به این مهارت ها «مهارت های قابل انتقال» می گویند؛ مهارت هایی که در همه شغل ها قابل استفاده اند و همیشه برای فرد مؤثر خواهند بود. یا مثلاً فرد اگر وارد رشته های مهارتی می شود باید بسته به رشته انتخابی اش قدمهای اولیه آموختن مهارت های پایه را از دوران تحصیلش بردارد تا وقتی به زمان حضور در بازار کار رسید از پیشگام بودنش سود جوید.

خلاصه آنکه اگر فرد آگاهانه و بر اساس ملاک ها و معیارهای صحیح، رشته خود را انتخاب نماید برایش موفقیت تحصیلی، رضایت شغلی، پیشرفت در کار و کسب درآمد، لذت از زندگی، موفقیت اجتماعی مطلوب و شکوفایی استعدادهایش را به همراه خواهد آورد؛ و در مقابل انتخاب نادرست به افت تحصیلی، شکوفا نشدن استعدادهای فرد، هدر دادن سرمایه گران بهای عمر، عدم رضایت شغلی و سرخوردگی فرد منجر می شود. پس معلمان و مشاوران با هدایت درست نقش مهمی در سالم سازی جامعه ایفا می کنند.